

عذاب قبور در پس و این شادمانی راند است و پشیمانی مقرر نمود
 ترو نهم فی خسران سین «

و خطاب با قاضی علی کسبر قوچانی است خود العزیز: «اما اهل
 ایران جمیعاً از این انقلاب در نهایت اضطراب کتل پریشان و بی
 لانه و آشیان زیرا آشیانی نگذاشته اند بلکه با اکتسبت اید محکم
 در بدایت انقلاب حضرت علی قبل اکبر من معدالی مقصد صدق عند ملک
 مقدر و قوم نمودند که حضرات کوس لمن الملک نیزند صدر عظیم رفته
 که حضرات علمارا از قم بهران در نهایت احترام وارد کنند و مسیح شهر
 باطل و علم با استقبال شاقه حتی شاهزادگان عظام و وزرا و کرام
 و سه روز شهر را زینت نمودند و شهباه پراغان کردند شیخ عبداله میگوید
 العزّة لی فی الآخره شیخ فضل الله میگوید الملک لی و السلطنة لعظمی
 سید محمد میگوید انی تصدّر فی عهد الجهال و خضعت لی الاعناق
 این عبد و جواب نوشت و الاّن در طهران موجود این عزت مانند ظلّ
 زایل است عنقریب مبدل بدلت کبری شود و عزت نیمم الذلّة

و المسکنة و بانوا بغضب من الله یخربون بیوتهم باید بکھیم و ایدی المؤمنین
 بدست خود تیشہ بر ریشہ خود زدن حضرات علما آخر را دیدند اما آخر از اندید
 عنقریب این فریاد های یا طوبی یا طوبی مبدل بود اسفا و او عطا
 کرده اینها استنزه ایران بودند ملاحظه نمودی که بچه حالی گرفتار شدند «
 و نیز از حضرت عبد البهاء است قوله بعزیز: « ہو الله احب الی الله علیهم بھاء اللہ الی
 ہو الله ادعوا الی الله تعالی و لسانی و روحی و جسمانی و انما یکفی بہرہ
 غلام سابل الاذیال فی جوف القیالی و ترانی منحدہ المدسوع من الاجفان
 و مستر الاحشاء بزفوات التیران من شدہ الحسبان و حرقة البحران
 رب قد ادرت کئوس العطاء علی الشاق و رحمتہم بھباء الضاء شوقا
 الی مشاہد الکبریاء و حرمتی من تملک الخیاء و ترفتی نامد بجان خاند
 الروح و الوجدان فی صقع الامکان الی منی یادی الرحمن مستمر بنہ
 و الانسی و میتد ہذا استسانی و ابجوی و تترکنی فی بحیوۃ الدنیا و تھوئی
 عن جوار الرحمۃ الکبری و لا ترفعی الیک مسفوک الشاء مطروح الجسد
 علی الغیب را و تھم تشغیر الدما و مقطوع الوری علی الشری متقطع الاعضاء

بسوف ابجاء منجذب الروح الى ملكوت الالهى رب رب قد رحبت
 اطيور الى الاوكار والنفوس الى ملا الاسرار وقرت الاعمين مشاهدة الانوار
 فى محفل اللقا بانصود الى الافق الاعلى ولم ادر كيف تليت بالانوار
 مع ايج نار الا شواق وتضيح الى ملكوت الاشراق ما هذا الا لفظ خطا
 وعظيم عصيانى وكثرة ذنوبى وشدة انهماكى فيما بعدنى ولم يكنى عن
 الطيران الى خيب الامكان رب ادرى لى هذه الكفوس واحبسنى
 من وحشة تنسوس وارفضى الى عتبتك النور فى عالم النور والبهاء حتى
 اقوز باللقاء وانجوم النوى ويطغ قلبى بالحب والوفاء فى مشهد الفدا
 انك انت الكريم العزيز الوهاب وانك انت المعطى الغفور التواب
 الهى الهى ان قلوب الاحياء قد فتح بالولاء ونفوس الارقاء قد طابت
 بالعطاء ومدور الاصفياء قد اشرفت بفيضات ملكوت الالهى والارواح
 استبشرت بانجرت الوعد ووقيت بالحمد واعليت كلمتك فى بسط
 الغبراء ورفعت انداء فى الافاق كلها ونورت الوجوه بنور الهدى
 وانطقت الالسن بالثناء فى المجمع اعظمى فانرفع ابيح من المجال

العلیا الی جبروتک الالهی عندک خفت القلوب وانجذبت
 وانتقلت النفوس وخفضت وخفضت الاصوات لغرتک وخفضت
 واستبشرت الارواح وترنحت بصیارات العرفان ورحیق الایقان لک
 الحمد یا الهی باخلقت تلك الحقایق المستقیمه من شمس حقیقه فی
 ملک الیاض الانیعه فاجعل اللهم هذه العصبة الرحانیة والشد الربانیة
 ایامک الکبریٰ بن العدی مستبسه من اسماک بحسنی سألک فی طریقتک
 انشئ ناطقة باسراک المودعه فی حقائق الاشیاء رافعه لامرک فی
 کل الامحاء محمد بن محمد الکبریٰ راویة لاحادیث موهبتک الساطعة انوار
 من فحبه البعارة انک انت العزیز المقدر الوهاب وانک انت الکریم
 اللطیف القدر المتعال ای یاران ویاوران عبد البهاء الحمد لله
 اخبار منصوص کتاب اقدس تحقق وشهود شد وبنیان درصوم تأسیس
 یافت سریتاجداری بشواری عادل فرین گشت ودریم جانبانی
 باجدار کامل زینت یافت ودر شمس ترقی برتواند اخت وید قدرت
 ربانیة خیمه حکومت عادل برتواند سرمد هرین باجدار شد و شریار

کامران بر تخت حکومت ایران جلوس فسر بود این جلوس مانوس سبب
 سرور آوارگان گشت و این افسر و ریسیم سبب شادمانی امیدواران شد
 لهذا باید اجبای الهی بموجب نصوص رحمانی نهایت اطاعت و خیرخواهی
 را بجزی دارند و منتهای تقیاد و دو تنخواهی بر از کنند و بگزارند حضرت رحمانی
 پردازند و عهده و عود محقق و مشهود شد و پادشاه غیور جلوه و ظهور نمود
 امیدواریم که کشور مشور گردد و قلم حنت آنعم شود و ایران بهشت برین
 گردد آوازه عدل و بجداری عجب بگیر شود و فریاد تحسین و آفرین بر اوج
 اشیر بر آید ملت با بهره ترقی نماید دولت عادل و توسع جوید و شوکت قدیمه
 رخ بنماید و عزت درین روی زمین بسیاراید اخلاق تعدیل گردد آرا
 تصویب شود موبست رحمانیه تکمیل گردد ای یاران الهی از قرار مسموع
 نوپوسانی در ایران تائیس نخبان پنهان نمایند و در امور سیاستیه مدافعند
 و بعنوانهای مختلفه جمعیتها تکمیل نمایند و نفوس را بدخول در جمعیت دولت
 کنند اجبای الهی نص قاطع ربانی باید از این امور استر از نمایند و کلی اجتناب
 کنند در امور سیاستیه نه با انجمنی دمساز گردند و نه با جمعیتی همراز شوند بلکه

شب ورز بگوشند تا اخلاق تبدیل شود و افکار تعدیل گردد و زائل
 نماند فضائل بسلوه نماید بنیاد بغض و عدوان برافند اتحاد و یگانگی خیمه
 برافرازد و وحدت عالم انسانی در نهایت جلال مجال بسیار اید نعوس
 ملکوتی شود و قلوب لاهوتی گردد و چون این مواهب حصول یابد باقی
 قصور زائل شود و عزت و سعادت حقیقیه در جمیع مراتب حاصل گردد
 این بنیان و اساس است و بنیاد بنیوالم و چون این اصول حصول
 جوید فروع یقیناً بذاتهما اکمال شود و علیکم ابها، الاهی
 یا اهل البها، یا اهل الوفاء، و یا ایها المختارون المؤمنون بقوله
 من الملكوت الاهی ای یاربین باوفا اگر حوادث مؤلمه وقتی در تعبیه
 مبارکه واقع گردد البته صد البته مضطرب و پریشان گوید و شوش و خنده
 شوید زیرا آنچه واقع شود سبب قلوب کلمه الله است و انتشار نعمات الله
 قدم ثابت نمایند و بنیاد استقامت بخدمت امر الله مشغول گوید
 ارض مقصود از شدت فسادات فغان مضطرب است رعاع «
 و قوله العزیز : « اما ایران بیس له امان الا بالذخول فی ظل الرحمن

هَذَا هُوَ الْكَلْفُ الْأَمِينُ هَذَا هُوَ الْكَلْبُ الْأَشِيدُ هَذَا هُوَ الْكَمْنُ الْبَحِينُ هَذَا هُوَ
 الْمَلَأُ الْمُنِيْعُ «

وخطاب به پایان اسلامبول "۱۳۳۴": مد عاقبت خواهید داشت
 ایران و ایران گردد و دولت و ملت بنهایت مشقت افتد مکن ایران را
 روشن نمودیم و ایرانیان را عزت ابدیه خواهیم هر چند ایران الآن گمنام
 است ولی این امر عظیم عاقبت اهل ایران را سرور عالم امکان کند
 و قوله العزیز: « اندازات بر طاه، جنورا تمام نموده... و اما سائ
 یبارک سریر الطاء سبتین لکسان شاه الله و از دولا نقل شیء اتی فاعل
 ذلك قد الا ان شاء الله «

وقوله: مغر و مقری و ملجا و سپاهی جز ملکوت اهی نه که ولوله و زلزله در
 آفاق انداخته و عنقریب ایران را معمور و ایرانیان را عزیز و دو جهان
 نماید خیر خواهی ایران این است که جمیع شوب و قبائل عالم را خاضع
 و خاشع نماید «

و قوله العزیز: « مستقبل ایران در غایت شکوه و عظمت و بزرگواری است

زیرا موطن جهان مبارک است جمیع اقوام عالم توجیه و نظر احترام بایران خواهند نمود و یقین بدانید که چنان ترقی نماید که انظار جمیع اعظم و دانایان عالم حیران ماندند به شاره کبری بفرمانش تشار و هدا و عد غیر مکتوب و مستعملن نیاه بعدین «

و قوله العزیز : « عنقریب برادرستان از اروپا و امریک بایران خواهند آمد و تاسیس صنایع بدیعه و بنا و آثار مدنی و انواع کارخانه تا در بروج تجارت و تکثیر فلاحت و تقمیم معارف خواهند نمود آنوقت حکومت بی نهایت خوشنود خواهد شد و نوایای این عهد در خیرخواهی دولت و خلوص به سررشته رباری ظاهر خواهد گشت «

در خطابی تاریخ ۱۹ ذی قعدة ۱۳۳۸ قوله حکیم : « جمیع این امور از ضعف حکومت حصول سیاید لئذا عاینمایم که خدا حکومت را قوت و نصرت بنشد عنقریب ملاحظه می فرمایند حکومت اگر از بشکیک رخنه نیابد قوت یابد و چون حکومت قدرت بر ضبط و ربط یابد این شاکل حل گردد باری مملکتن باشید حکومت اگر از بشکیک راحت یابد قوت

خواہد یافت «

راجع بدولت عثمانی

و نیز حضرت بہاء اللہ راجع بہ مملکت و دولت عثمانی است قولہ الابن
 د قسوف تبدل ارض السرو مادونہا و تخرج من ید الملک و یغز از بول
 و یرفع العویل و یطیبہ الفسادی الاقطار و تختلف الامور بما ورد علی
 ہولاء الاسراہ من جنود الظالمین و تغیر الحکم و یشتد الامر علی شأن نزوح
 الکلیب فی الہضاب و تبکی الاشجار فی الجبال و یجری الدم من کتب
 و تری الناس فی اضطراب عظیم ... سوف یحرق اللہ الکب و ہم من
 اذہ شد المستقیمین «

در کتاب اقدس است قولہ جل و عز : « دیا مفسر الروم نصح فیکم
 صوت البوم : اذکم سکر الہوی اذکم کسرم من الغافلین یا ایتھم نقطہ
 الودیعة فی شاطیئہم من قد استقر فلیک کرسی العظم و اشعلت
 فیک نار البغضاء علی شأن نوح بہا اللہ الاعلی و الذین یطوون حول
 کرسی رفیع نری فیک الجاہل عسکم علی العاقل و انظروا نفعہ »

عَلَى النُّورِ وَأَنْتَ فِي غُرُوبٍ مِمَّنْ أَنْزَلْنَا بِرَبِّكَ الظَّاهِرَةَ سَوْفَ نُنْفِئُ
قَرِيبَ الْبَرِيَّةِ وَيَسُوحُ الْبَنَاتِ وَالْأَرَامِلُ وَمَا فِيكَ مِنَ الْقِبَالِ كَذَلِكَ
يُنَبِّئُكَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ «

در سورة الملوك است قوله الاعلى : « سوف يظهر الله قوما يذكرون
آياتنا وكل ما ورد علينا ويطلبون حثثا عن الذين هم ظلمونا بغير جرم و
لا ذنب يسين ومن در انهم كان الله قائما عليهم وشيخا ففعلوا واتخذهم
واتخذ الله المستقين «

در لوحی است قوله الاعلى : « اذا قيل لهم بائى جرم صلبتم الذى به
اقرتقر الایمان ونظرت آية الرحمن قالوا قد تحقق انه اراد ان يبدل
سنن الله ودينه وليس له علينا من فضل بل نراه من المفسدين كذلك
قال امم اشاكم قد اخذناهم بما قالوا وجعلناهم عبرة للمتبحرين سوف
ناخذ هؤلاء كما اخذنا الذين كان الله منهم قوة ان ربك لهو المقصد
على بائىء واكحالم على ما يريد

در لوح خطاب شيخ محمد باقر صفهانی است قوله الاعلى : « فاعلموا

فی ملک الروم انه ما اراد المحرب ولكن ارادنا امثالكم فلما اشتعلت نارنا
وارتفع لسيبها ضعف الدولة والملة يشهد بذلك كل منصف بصير
وزادت ويلاتنا الى ان اخذ الدخان ارض السرو من حولها ليظهرنا
اثره الله في لوح الرئس كذلك قضى الامر في الكتاب من لدى
الله المهيمن لعقبتوم «

در لوح خطاب بصدر دولت عثمانی قول الاعلیٰ : « کتفی ازین
عند الله اعظم است از مملکت و سلطنت و عزت و دولت شما و لو
یسا و یحکم سباً و منسباً و سوف یاخذکم بقهر من عنده و یظفر الفیاض فیکم
و یختلف حالکم اذا تنوحون و تنصرحون و لن تجسدوا الا انفسکم من
میعین و لانصیر این ذکر نه از برای آن است که تنبیه شوید چه که غضب
الهی آن نفوس را احاطه نموده ابد استنبه نشده و نخواهید شد
چند مرتبه بجای بر شما نازل که ابد التفتات نمودید یکی احراق که کبشر
مدینه بنا عدل سوخت چنانکه شراقتصا اناش نمودند و نوشتند که
چنین حریق تا بحال نشده معذک بر غفلتتان افزود و همچنین و باسقاط

شد مستبذ نشید و لکن منتظر باشید که غضب الهی آماده شده زود است
که آنچه از قلم امر نازل شده مشاهده نمایند «

دوره شری از خادم الله ۵ جمادی الاولی سنه ۱۲۹۳ خطاب بجمعی محمد
احمیں ذیح کاشانی : « از اخبار جدیدہ اینکہ این آیام مفاد آیات
نزول در لوح رئیس کرمین خروج از ارض سر مخصوص آن حضرت از سما
میت ربانیہ نازل شدہ ظاہر قولہ عز و جبریاہ : فسوف تبدل ارض
اسرو و مادونہا و تخرج عن ید الملک و یظہر از زوال و یرتفع العوالم
و یظہر الفساد فی الاقطار و تختلف الامور بما در علی ہولاء الاسرار من
جنود الظالمین الی آخر قولہ تعالی و یحییئنا فی الکتاب الاول
قولہ تعالی : یا ایہا النقطۃ الواقعۃ فی شاطیء البحرین قد استقر
علیک کرسی تطلم و اشتعلت فیک نار البغضاء علی شان نواح بجا
الملاء علی و الذین یطوفون حول کرسی ریح نری فیک البجاہل حکیم
علی العاقل و الظلام نعیم علی النور و انک فی غرور مسین اغرتک
زینتک الظاہرہ سوف تفسی و رب البریۃ و تخرج البنات و الارامل

وما یک من القبائل کذلک ینبک بعلم بحسیر انتی از قراری که
در اضطراب مدینه کبیره نوشته اند نفس از خوف هلاک شده اند بدون صدمه
ظاهره و بکرم حفظه فرماید چه واقع شده فاعبروا یا اولی الابصار «

و از حضرت عبدالیهاء است قوله العزیز : « اما ما له واقع بین البحرین
آن است که واقع شد سریر ظلم در هم شکست ولی هنوز استقرار یافته است
و کانید که انتظام و استقرار یابد «

و دشاری دیگر خطاب بزمین المقربین : « و از اخبار جدید ارض سر و ما حولها
را تصرف نمودند قدر کمال ما انزل الله فی الالواح لیسئ سوره رئیس نظر مبارک
هست باری در آن صفحات تحت هر شجره ی خون ریخت و صیحه و صیحه عباده
از ارازل و غیره از اتلال و جبال و مدن و قری مرتفع شد آن تعلم لایقته
ان یقوم بوصف تا در فیها آن سوره الریس خبرنا باحدث فیها بعد از ورود
با دره از اسافت اقدس سناجاتی نازل شد او فرمودند اصحاب بخوانند قل و قوله
الحق : « و جامع علمی بان مختلف شبه السلف بده سوره ما نزل من تعلم الا علی
هو المقدر علی بایشا بر اسم الله المبین علی الاسماء یا الهی الرحمن و المهدی

علی الامکان آنالک بنفک بان تحفظ السلطان ثم انالک بان
لا تنظر الیه و جریات من سبتہ فی الملک بل الی بحر جودک بما فی صدقہ
و شمس الطائف ای رب کف عنہ کف التورہ بالید الی جعبتہا

ایادی خلقک انک انت المقدر المتعالی لعسیم حکیم انتی
از این کلمات مبارکات چنین استفاد میشود که فرجی از برای سلطان میشود
و لکن این بعد از خسران عظیم است که وارد شده و میشود «

در سفرنامه امریکاست در جواب سوال شخصی از وضع عثمانی قوله :
« متظرو قوعات فوش از ان شطر نباشید... کتاب مین در دست

مبارک بوده و اندازات بعد العزیز و خبر انقلاب امور و انتقال ادره
را شرح میداند و آن مواعید الهیه را حتی الوقوع سفیر موند «

و در سفرنامه اروپاست قوله العزیز : « جمال مبارک پنجاه سال پیش که اید
این نقشه انبوه حکم فرمود که باید از اروپا بیرون روند لابد است چنین شود «

رابع به المان

و رابع بالمان از حضرت بهاء الله در کتاب اقدس است قوله جل و علا :

« یا شواطلی نهر اترین قدر ایماک منطقاته بالدمار یما سئل علیک سیوف
 اجزاء، و لکب مره افوی و نستمع حنین البرین و لو انکت الیوم علی
 عزیمین »

و از حضرت عبدالبها خطاب به معاون التجار راقی است قوله العزیز
 « شواطلی نهر اترین بخون رنگین شده من بعدتر خواهد گشت »
 و قوله العزیز : « اما در خصوص نهرین هر چند آن واقعه بود که در ایام
 ناپلئون ثالث واقع شد و خونهای زیاد در شواطلی آن جوی ریخته گشت
 ولی باز باقی دارد »

راجع به فرانسه

و راجع بفرانسه از حضرت بهاء الله در لوح خطاب بناپلئون است
 قوله الاعلی : « یا فعلت تخلف الامور فی مملکتک و تخرج المملک
 من کفک جزاء عکاک اذا تجده نغک فی خسران مسین و تاخذ انزل
 کل العبا فی کلبناک الا بان تقوم علی نصره هذا الامر و تسبح الروح فی هذا
 اسیس مستقیم اعزک فزک لعمری لایوم و سوف یزول الا بان تمکک »

بهذا الجبل مستین قد نرى الذرة تعنى من الملك وانت من الغافلين «

عاقبت و خیم عالم درو و سلاطین عرب عمومی و پس صلح

در ارجع به عاقبت خیم عالم و سلاطین محبان در سوره الملوک خطاب بمؤمنان

قوله الاعلی : « وان لم تستمعوا بما انصناکم فی هذا الكتاب بیان بیع

مبین یاخذکم العذاب من کل الجهات و یا یکلم الله عبده اذا لا تعدرون

ان تقوموا معه و تكونن من العاجزين فارحسوا الی انفسکم و انفس العباد

ثم اعلما منہم بما حکم الله فی لوح قدس صلح الذی تدرفیه مقادیر کل شی

فصل فیہ من کل شی تفصیلاً و ذکر الی عبادہ الموقنین «

و در لوحی است قوله الاعلی : « ان التمدن الذی ینکره علماء مصر

و تضایع و العقل لوی تجاوز حد الاعتدال استراه نغمه علی الناس

کذلک یخبرکم ان خبیر انہ یصیر مبداء الفساد فی تجاوزہ کما کان مبداء اصلاح

فی اعتداله تفکروا یا قوم و لا تكونوا من الهائین سوف تحرق من نارہ

و یطلق لسان العظیمة الملك لله العزیز الحمید «

و در کلمات فردوسی است قوله الاعلی : « بشنوید ندای مظلوم را

بصلح اکبر تشک نماید اسباب عجیب و غریبه در ارض موجود و مکن از فیه
 و عقول مستور و آن اسبابی است که قادر است بر تبدیل ارض کلفت
 و سمیت آن سبب هلاک «

و قوله الاعلی : « باری الامر عظیم عظیم زود است که انقلاب اکبر ظاهر
 فو نفسه بحق که تفصیل فرماید باین کلمات «

و قوله الاعلی : « عالم منقلب و اُحدی سبب آنرا ندانسته با سواد
 احاطه نموده ارض آرام نخواهد گرفت مگر بنیادی استگنی و مکن نظر باین
 اساس سیاست الهی و اصول احکام ربانی در تعالی کلمه توقف رفته
 و می رود «

و قوله الاعلی : « که ضلع جناب حاجی جو علیا بهما اهدا الاهی
 بنام دانای یکتا یا در قتی و یا اتمی ذکر است در ساعت مظلوم مذکور در این
 لوح مبارک نازل تا چشمت بشاهده آثار الهی روشن و قلبت پذیرش
 متور کرده عالم از برای عسره فان مالک قدم خلق شده و مکن این محبت
 الهی را انکار کردند و پر کفران نعمت قیام نمودند عنقریب آثار غضب اسم

قهار روی زمین را آفرید و مقدرین را بر سقر فرستد «
 و قوله الاعلیٰ : « اگر اهل ارض فی الجمله تفکر کنند در آنکه می نمایند
 که مصلحت کل ظاهرا و باطنا توجه سخن جل جلاله بوده و هست غفلت
 عباد و اعمال باطله ایشان بصورت بلایای مختلفه ظاهر شده و ارض را
 احاطه کرده نظر با قدرین تعلم الاعلیٰ این مجسمان را نادر حروب و
 دغان بلایا آفریده و آن شعله در بلاد ایران مستور است و البته سزا
 خورد بر ذری از پی مگر بملاحظه نفوس مقدسه ثابته راسته مطمئنه مستیقوه
 بلایای کبری در زریای عظمی منع شود آنه علی کل شیء قدیر لکن آنچه از قلم
 اعلیٰ تازل اکثرش ظاهر و مشهود چنانچه اکثری دیده اند و باقی بهم نسبته
 ظاهر و هویدا گردد «

و در اثری : « هو المقدر علی ما یشاء بقوله کن فیکون آن نهادم
 الفانی یصح امام وجه العالم الی در فتره نزاع دو تن اراده الهه چنین
 تعلق گرفته بعد از همین کتی بدولت عثمانی سازد اول میان افتاد و صلح
 بدهند و بعد از چندی حکومت روی ارض کل تغییر کند ظلم عالم را احاطه

کند پس از انقلاب کلی شمس عدل از افق غیب طالع شود کذک
نطق بان صدق مین «

و از حضرت عبدالیهاء نطقی در عتقا ۳۰ مارچ ۱۹۱۵ است :

« من آنچه باید بروم در جمیع اطراف و انصاف فریاد بر نم زدم در جمیع
شهرها نداء بملکوت اللہ بیان کردم فریاد بنظور امر اللہ زدم محبت بر کل
کامل شد و در تمام محافل ذکر کردم که تعالیم جمال مبارک این است صلح
و سلام است و وحدت عالم انسانی است روح و ریحان است و اگر
این تعالیم جمال مبارک مجری نشود عالم در خطر است اروپا مثل قورخانه
شده است منوطیک شراره است خطر عظیم در پی است بشارت
آئی مجوش جمیع رسید حال دیگر نوبت اجباء است من باید قدری
سکوت کنم ایامی چند خاموش باشم این است که خدا این اسباب را
فراهم آورده است حال نوبت اجباء است باید اجباء نداء بملکوت اللہ
بلند نمایند «

و قول : « عبدالیهاء چهار سال سرگشته کوه و صحرا و گم گشته دشت و دریا

بود در جمیع ممالک غرب بشارت ظهور مملکت الله داد و جمیع
 توضیح نمود که اگر این تعالیم ترویج نگردد و استمال نشود بجای عقیم در عقب
 است و جمیع ممالک اروپا نظیر جبهه خانه است مملو از مواد غلبه شراره
 شده زنده همچنین کیمیا و نسیم پیش تحریری تصدیق یافت و بایران ارسال
 شد و آقا میرزا علی اکبر میلانی طبع نموده جمیع ممالک انتشار داد و صریحاً نگاشته
 شد که عالم در خطر عظیم است و آنچه ایسوم واقع صریح آن نامه است
 ملاحظه نموده آید ما وجود این ناس مستبده اند «

و قول العزیز: « من در جمیع مجامع بصوت بلند فریاد میزدم که ای قوم
 عالم انسانی در خطر عظیم است و اروپا مانند یک جبهه خانه شده که منوط
 یک شراره است که شعله اش بفلک اشیر رسد بیایید و شما نگذارید
 محافظانانیت شوید شش هزار سال است انسان متلاطم بر فرض تعصب دینی
 و حبسی و وطنی و سیاسی بوده دیدید که فائده بخشید حال بیاید سیاست
 الهی یعنی سیاست محبت را اختیار کنید اگر نشد ممکن است بحالت
 اولیه رجوع نمود این چه کاری است اگر خدا انسان را نیخواست خلق

نمیکرد و خوراک نمیداد و تربیت نمیکرد پس خسد انسان را دوست میداد
 آیا خوب است که مایات انسان را انتخاب کنیم یا سیات خدا دین
 باید مروج تمدن و علم باشد و اگر نباشد حدش بهتر از وجود است مثلاً اگر
 از نفس دو امر حاصل شود نخوردش بهتر است تعصب جنسی چرا
 همه اولاد یک پدر و یک مادرند و غیر آنکه هر کسی در عالم و هم یک محلی را
 از برای خود گذارده و خط و حلی برایش درست کرده که این وطن من است
 و آن وطن تو است تمام مثل سگهایی که یک طرف کوچه را ملک خود
 میدانند که اگر سگ دیگری آید فوراً هجوم مینمایند وطن انسان زیر
 هزار من خاک است حیف نیست بنیمه خونها از برای خاک ریخته شود»
 و قوله العزیز : «عبدالبهاء در کنش و محافل اروپا و امریک
 در اکثریدن نهمه زبان اعلان امر حضرت بهاء الله نمود و ندا بملکوت
 اسی کرد و بر این لامعه اقامه نمود و دلائل ظاهره و محبت با بهره اظهار
 کرد ابداً از برای نفسی عذری نماند بلکه بسیاری از خطابه با در روزنامه
 اعلان بافاق شد با وجود این نام در خواب غفلت گرفتار متمسک

به مجاز و از حقیقت بیزار هنوز ناس در شهوات نفسانیه منهدم بدرجه ای
 که صور اسرافیل بیدار نماید البته این غفلت و کفران نعمت و عدم استیجاب
 سبب حسرت و شقت و جنگ و جدال و حصول خسران و وبال است
 و اگر اهل عالم توجه بایم عظیم ننمایند خطر عظیم در استقبال ولی در خوار
 امیدم چنان است که آثار لطف الهی ظاهر گردد امورشان از جسمه
 استثناء یابد .

و نیز از حضرت عبدالیهاء در سفرنامه امریکاست قوله العزیز : « الان
 من چون نگاه میکنم می بینم جمیع دول و ملل شکست خورده و در بیابانها
 ریخته و پاشیده اند و امراتده قاهر غالب و همین بر مل است جمیع وقوعات
 آینده در نظر منظر هر مقدسه ظاهر و حیان است اگر دول جمهوری
 امریکای جمعیت مینمودند در ساله صلح متحد میشدند و جمیع به محافل لایهای
 رجوع می کردند ساژر دول اروپا بهم پیروی این افکار مینمودند اما از جهت
 دیگر اگر این جنگ عمومی در اروپا واقع شود زودتر صلح بین ملل تحقق یابد
 و همچنین باید این افکار صلح بین مسوم منتشر شود و بعد مالتیون از قرض

دادن برای حرب و کمپانیهای راه آهن از حمل و نقل آلات حربیه و افزون
 لشکر از جنگ و خونریزی اباد استناع نمایند و همچنین حدود تعیین شود....
 ترقیات مادی اروپا بحد تعقیف می رسد هر امری که بحد تعقیف رسیده لابد است
 نماید امیدواریم که ترقیات روحانیه شامل حال آنها بشود و حیانت نماید
 این مدنیت جسمانیه بدون قوه قویه معنویه و مدنیت الهیه سبب
 راحت تمام و آسایش تام نشود مشکلات بیشتر شود و شدائد زیاد یابد
 تازه دولت امریکا پانزده میلیون دلار برای مصارف کشتی جنگی هیا
 نموده و لابد بر این است که قبل از صلح عمومی جنگی عظیم واقع شود....
 یکی از حرب عمومی بین دول سوال نمودند مودند لابد خواهد شد اما
 امریکا داخل نمیشود این جنگ در اروپا میشود شاید گوشه ای را گرفته اید
 که کاری به مملکت دیگرند ازین بفرگرفتن قطعات اروپا هتید زیرا که برای شما
 محیط اتلانتیک یک قطعه طبیعی بسیار محکمی است.... در سوال و جواب
 در عمارت سیاحتی امریکا فرمودند اول علم صلح در اینجا بلند میشود یعنی
 بدانید که این میشود چونکه انسان از مباردی نتیجه میگردد و آن این است

که اینجاصح اول در میان خود ملت برقرار میشود و از اینجا سرایت
با طراف خواهد نمود «

و در سفرنامه اروپاست قوله العزیز : « غمخیز خواهد دید که تمدن
اروپا بیاینی از منبر جنگ عالمگیر و منتهی بانقلاب و هرج و مرج میشود »
مال سلاله ابراهیم

و نیز از حضرت بهاء الله در لومی است قوله الاعلی : « یا حسین علیک
سلامی در قرون و اعصار از فضل و عنایت حضرت مختار این اماکن و دیا
بازگله مبارکه که کمال شئی فی قبضه است ایریزین اراضی منطله جزوه بانوار شمس
بطحا مستور و با ثمر در هر دو قری از دفاتر عالم جز در خلبه و سلطوت اهل توحید
نمود رایات ابداع با شمس مزین و اعلام عزت و اقتدار با مرش منصوب
در هر آن عنایت حق میرسید و نصرت می فرمود تا آنکه قلوب تغییر نمود و
تاریک شد رفته رفته عدل در حجاب رفت و ظلم بر معاش ظاهر و در سخ
انصاف خلف غمام مستور و اعتساف در مجلس موجود و مشهود و این امور
سبب و علت ذلت گیری گشت چنانچه مشاهده شده و میشود اعلام آنکه

تتمتع فوق اعلام التوحید باری عزت امت مرحومہ بذلت تبدیل شد
 باید از حق صل جلال مسألت بنائیم تا آگاهی بخشید و دانائی عطا فرماید
 کہ بر سب و علت این تبدیل پی بریم و بر تدارک مافات قیام بنائیم
 و لکن از سو و خطا کمل بنائیم و از سبب و علت خافض قسم بافتاب بیان
 رحمن کہ اگر روزگار بر این منوال حرکت نماید عنقریب سراج ہدایت
 خاموش و مشعل ضلالت در ہر مکان مرتفع و مشہود «

و از حضرت عبدالبہاست قول العزیز: «ہو الابی در خصوص اجتماع
 سلاہ اسرائیل در اورشلیم بموجب نصوص انبسیا و سؤال نموده بودید۔ اورشلیم
 و قدس الاقدس یکمل مکرم و اسم اعظم است زیرا آن بدینہ الہیہ
 و شہر بندیزدان است چہ کہ جامع جمیع آثار و نعم و عازر کمل غناء
 و ثروت حقیقیہ و تحف و زینت مغنیہ مشتمل بر شہودن و خصائص حیات
 و محل ظهور آثار غریبہ ربانیہ است و اجتماع اسرائیل در آن عبارت از
 آن و بشارت بر آن است کہ کمل اسرائیل در ظل لوای الہی وارد و
 بر جہت قدم وارد میگردد چہ کہ این اورشلیم الہی کہ قدس الاقدس

در قطیف واقع مدینه ملکوتی و شهر آسمانی است مشرق و مغرب در
 زاویه ای از او واقع ولی با وجود این بحسب ظاهر نیز اسرائیل در این
 اقدس حسیع خواهند گشت و ذلک وعد غیر مکتوب مقصود این است
 که ذلتی را که اسرائیل در دو هزار و پانصد سال کشید حال بدل بعزت
 سر مدینه خواهد گشت و بظاهر ظاهر نیز عزیز خواهند شد بقسمی که محسود خدا
 گردند و مغبوط او ادا طوبی لهم ثم شری و بصیاء علیهم جمعین «
 و قوله العزیز: « جمال مبارک در الواح مقدسه تصریح فرمودند که
 ایام ذلت اسرائیل گذشت ظل عنایت شامل گردید و این سلسله
 روز بروز ترقی خواهد کرد و از غمورت و ندت هزاران ساله خلاصی خواهد
 یافت ولی مشروط بآنکه بموجب تعالیم الهیه روش در فستار نمایند
 از ظلمات تعالیه قدیمه نجات جویند و از کلمات عواند سابقه رمانی یابند
 و بآنچه روح این عصر و نور این قرن است تثبیت نمایند تعدیل اخلاق
 کنند و در منافع و روابط عمومی عالم بشر سعی و کوشش نمایند از تعصبات
 قدیمه و افکار پوسیده و اغراض ملیه منسلح گردند و جمیع بشر را احاطه

الهی شمرند و خدای اشهبان هر بان دانند امروز روزی است که آنکجا
 خصوصیت چه از افراد و چه از ملت سبب نکبت کبری گردد و عاقبت منتهی
 به خسران بسین شود «

وقوله العزیز : « و از جمله وقایع جسمیه که در یوم ظهور آن نخصال
 بیمال وقوع خواهد یافت علم الهی جمیع اشهبانند خواهد شد ...
 و آن نخصال بیمال جمیع اسرائیل را جمع خواهد کرد یعنی اسرائیل در دور
 آن در ارض مقدس حسیع خواهد شد یهود که در شرق و غرب و جنوب
 و شمال متفرقند مجتمع شوند ... در بدایت دوره جمال مبارک این عهد
 الهی که در جمیع کتب انبیاء منصوص است بنای ظهور گذاشته ملاحظه
 مینمایند که از اطراف عالم طوائف یهود بارض مقدس آیند و قراء
 و اراضی تملک نموده کنند و روز بروز در از دیارند قسمی که حسیع
 فلسطین مسکن آنان گردد «

و در ضمن سؤال و جوابی است قوله العزیز : « اینکه جمال مبارک
 فرمودند سلاطین اسرائیل تحسیر خواهند شد این بیان مبارک در وقتی بود

که بنی اسرائیل رجوع نموده بودند و در نهایت ذلت بودند.... لکن این بیان مبارک در حق مؤمنین اسرائیلیان است یعنی کسانی که گمراه شدند سایرین با تسبیح عزیز میشوند لابد دیگران هم بطیغیل دارای عزت و ترقی میگردند در صورتیکه موافق و دوست و رفیق باشند ولی مقصد این نیست که اگر آنها عداوت کنند هم باز ترقی خواهند کرد بلکه خانه خود را خراب خواهند کرد.

وقوله العزیز : ای سلیل علیل ابراهیم خنجر ملاحظه فرمائی که وعده آتیه در حق سلاله ابراهیم بالاخص تحقق یابد و فرخ رخ بگشاید

راجع به مستقبل عالم در دین و امر و احیاء و عاقبت حال اعدا

و نیز از حضرت بساء آمده در لومئی است قوله الاعلی : در عالم مستقبل است و انقلاب او یوما فیوما در تریاید و وجه آن بر خفت و لاندگی است و این فقره شدت خواهد نمود و زیاد خواهد شد بشانی که در آن حال مقتضی نه و مدتی بر این پنج ایام میسر و در اوقات المیعات نیز نعتیه

مایه تعدیه فرانس العالم اذا یرتفع الاعلام و غیره العادل علی الاطلاق
 و قوله الاعلی : « وجه عالم بلا مذمبی متوجه در کل سنین بلکه در کل شهور
 بل در کل ایام از ایمان و عرفان و ایقان بعید و نطنون و او نام نزدیک
 نامدتی باین نحو خواهد بود چنانچه میقات آن در کتاب الهی نازل و ثبت
 شده و لکن محزون مباش چه که اشراقات شمس حقیقت بطوبیت زائده
 طبیعت را جذب خواهد شد و تشقات حروف را جمع خواهد نمود و این
 فقره مخصوص باین عصر است بلکه از قبل هم چنین بوده چنانچه رسمی از سما
 مستوره در بحر علم الهی در لوح مقدس حکمت نازل شده طوبی لمن نظر و
 قرء و قال لک الحمد یا مستین العالمین بعد از انقضای مدت مذکوره در
 کتاب بقره امر الله مرتفع و جمیع نفوس با و متوجه آن ربک است
 المستکم ان طلق الایمن «

و قوله الاعلی : « زود است که انوار امر عالم را احاطه نماید اگر چه حال
 وجه بشر کفر متوجه لکن از برای او میثاقی مقرر است از آنم نظیر ما هو
 فی کتب الله رب العالمین «

در لوح خطاب بنصر الدین شاه قوله الاعلیٰ : « سوف تشتق
 ید البیضاء حیاً لهذه اللیلۃ الدمار و یقع اللہ لمدینتہ بآبار ما جا یومئذ
 یدخلون فیہا الناس اقوا جا و یقولون ما قالہ الاممات من قبل نظر
 فی النعایات ما بدانی البدیات ہستہ این بلا را رحمت کبری
 از پی داین شد ند عظمی دار خدای عظیم از عقب »

و در لوح قناع است قوله الاعلیٰ : « خسر ب نفوسی در علم ظاہر شوند
 و بکمال نصرت قیام نمایند و در جواب ہر اعتراضی اولاً محکمہ متفقہ مرقوم دارند
 چہ کہ قلوبشان ملئم میشود بالہامات غیبیہ الہیہ »

و در لوح خطاب بعید الوتأب قوله الاعلیٰ : « سوف ینظر ما انزلناہ
 فی الزبر و الالواح کما نظر ما اخبرنا القوم بمن قبل انہ ہو لغیر العظام »
 و در لوح رئیس است : « ہل ظننت انک تعد ان تطفی نار التی اوقدنا
 اللہ فی الآفاق لا نؤلفہ بحق لو انت من العارفين بما فعلت زاد
 لیبہا و اشتغالہا قسوف بحیث الارض و من علیہا کذک قضی الامر
 و لا یقوم معہ حکم من فی السموات و الارضین قل شد جاء

الغلام لیسعی العالم و تحت من علی الارض کلها فسوف یغلب ما ارا
 الله و تری کل الارض خضه الابی كذلك رقم من قلم الامر علی لوح
 قویم ۔

و قوله الاعلی : « عنقریب است که اعلام قدرت الہی را در ہمہ بلاد
 مرتفع بینی و آثار غلبہ و سلطنت اور اور جمیع دیار ظاہر شاہدہ فرمائی »
 و در سورۃ الملوک است قوله الاعلی : « فسوف یرفع الله امرہ و یظہر
 بر انہ بین السموات و الارضین »

و قوله الاعلی : « محزون مباشید عنقریب آیات امریہ وہ اکثر
 بلاد مرتفع خواهد شد و ما اراد الله ظاہر و ہویدا خواهد گشت انہ علی کل
 شیء استدر »

و در کتاب بیع است قوله الاعلی : « اگر شما و امثال شما عارف
 نشوید عبادی خلق خواهند شد کہ کوش معانی را از کاس کلمات الہی ساقی
 و پیچود مطلع گردند »

و قوله الاعلی : « قدرت نام بفضل و بہا حملت الاشیاہ و کان

على ما اقول شهيد ان سوف يظهر من كل شئ ما تفرج به افسدة الموحدين
 اذا شاهد المشركين يفترون عن يمين والشمال ولن يحسدوا لانفسهم
 منرا ايئنا «

و در لوح الاجاب خطاب بمحدث خراساني است قوله الاعلى :
 « اياك ان يخزيك ظلم الذين ظلموا ويمنحك سطوة المشركين سوف
 ياخذهم الله بقدره من عنده كما اخذ من قبلهم الاغراب ان ربك شديد
 العقاب وسيقى الملك لنفس المهينة على العالمين «
 وقوله الابهي : « سوف يطر الله الارض من هؤلاء ويرفع امره في
 يشاء انه هو الغالب على من في ملكوت الامر وخالق لا اله الا هو
 العزيز الكريم «

وقوله الاعلى : « لا تنظروا الى الذين ظلموا احبائي لانهم غفلوا الوعدوا
 لغدوا انفسهم في سبيل سوف ياتي يوم فيه يضعون انما ظلمهم بين انياهم
 ويكون على انفسهم كذلك قضى الامر من لدن مقدر قدير «
 وقوله الاعلى : « انظروا ظلمنا ان رستك مباش حق در كينجا قائم

زود است که بمرد را بر نیزان رایج فرماید از علی کلمه شئی قدیر «
 در لوج خطاب بر ناصرالدین شاه قول الاعلی : « سوف یأتی یوم
 فیه ینوحون ویسکون »

و در لوجی است قول الاعلی : « عنقریب از برای کلب مقامی و
 عزیزی مشاهده شود و از برای آن نفوس نخواهد شد »

و قول الاعلی : « عنقریب نفوس معرضه که باهل محبت اعظم نموده اند
 کمال ندامت مشاهده شوند آن الرحمن معکم و انخسر ان لهم وعلیم انتم
 اسراء الله فی الدیار این شأن کبیر است حقیر شماره عنقریب ذکر شما
 و جمیع دوستان حق در جمیع بقاع ارض منتشر شود »

و قول الاعمی : « اعراض بعضی از عباد خافل شمارا محزون نماید
 زود است که اعلام امریه آئیه بر بقاع ارض مرتفع مشاهده شود و نزد
 ما نهایی من علی الارض بگذرد شنای نفوس مقید که ایوم بشر ائیه
 توجه نموده اند مناطق گردد و بحسرت تمام ذکر این ایام را نمایند »

و قول الاعلی : « لا تخزنوا بئذ لک سوف ینصر الله اجناب و یأخذ الکتب

ظلموا ان هذا حق تمين «

وقوله الاعلى : « سوف نخرج الله من اكام القدره اياى القوه
والغلبه ونصرتن الغلام ويظهرن الارض من دنس كل مشرك مرد
وتقومن على الامر ونفتحن البلاد باسمى لمقتدر القيوم ويدخلن
خلال الديار وياخذن عهدهم كل العباد هذا من بطش الله بن تبطشه شديد
واز حضرت عبد البهاء در پاریس ۲ ذیحجه ۱۳۳۹ در منزل خود
بمال مشی و خطاب بر بهرمان ایرانی قوله العزیز : « در گوشه
کتاب خود بنویسد و صبر کنسید جمع صنوف عالم شکست خورده و منجند
چند سال صبر و تا مل کنید نورانیت بساء الله آفاق را احاطه میکند
در خطابى قوله العزیز : « امر عظیم است عظیم و مقاومت و حاجه
جمع ملل و امم شدید عنقریب نعره قبل افریک و امریک و فریاد
فرنگ و تاجیک و نار هند و امت چین از دور و نزدیک بلند شود و کل
به جمع قوی بمقاومت برخیزند و فارسان میدان الهی ستاییدی از
ملکوت الهی بقوت ایمان و جذع عرفان و سپاه پیمان خدا بنهائیک

هنرمند من الاخراب را آشکار کنند «

و قول: « در مذاق ایرانیان بجای تغییر کرده مشرب دینی مانده و عا
 مشرب ناشایسته نیز در ایران تاثیر خواهد بخشید ولی مطمئن باشید که
 قوه امر الله عاقبت غالب گردد و امواجی از این بحر بی پایان بر
 خیزد و این کفتار از دریا به صحرا اندازد و آن جندناهم الغالبون این است
 که در اشراقات بصیرت می نسرماید و این نوری است بین
 و حسنی است متین از برای حفظ و آسایش اهل عالم اگر سراج دین
 مستور ماند هرج و مرج راه یابد و نیز عدل و انصاف و آفتاب امن
 و اطمینان از نور بازماند هر آگاهی بر آنچه ذکر شد گواهی داده و میزند

در خطاب میرزا اسحق خان حقیقی قول ۱

« در روز بروز هرج و مرج

در دنیا درازد یاد است عاقبت بدرجه ای رسد که بسنی انسانی را

تخل نماید آنوقت انبیا به رخ دهد «

حکم فرمائی کتاب اقدس بر وجه الارض

و نیز از حضرت بهاء الله در لوجی است قوله الاعلی : « کتاب اقدس
 بشانی نازل شده که جاذب و جامع جمیع شرایع الهیه است طوبی
 للمغائزین طوبی للمغائزین طوبی للمغائزین طوبی للمغائزین و بابسته
 نازل شده که کل را قبل از اقبال احاطه فرموده سوف بیطرفی الارض
 سلطانه و نفوذ و اقتداره آن ربک هو العلیم الخیر «
 و هه قدرت این امر

و نیز از حضرت بهاء الله در لوجی است قوله الاعلی : « قسم باقی است
 حقیقت که از اوق سجن عکا شرق و لاج است اگر این امر در مدن
 خارج نشر میشد هر آینه اکثر اندیاری مقبل مشاهده می گشتند این ایام خبرها
 خوش از آنجها رسید نور می که اهل ایران در اطفاء آن جاهد و علی
 افراب مختلفه بطور و بروز و اسباب تجلی و اشراق آن مشغول غمگین
 ظاهر میشود آنچه از زمین عالم مستور است کذلک نطق لسان العظمه

فصلاً من عنده وهو الفصل الكريم «

ونیز از حضرت بہاء اللہ در لوح رئیس است قولہ الاعلیٰ : « سوف یبعث اللہ من الملوک من بعین اویاءہ اذ علی کل شیء محیط و یطقی فی القلوب حب اویاءہ و ہذا حق من لدن عزیز جمیل «

در لوحی دیگر قولہ الاعلیٰ : « سوف یبعث اللہ من الملوک من میصر امرہ و اذ علی کل شیء قدیم «

میقات علو امر اللہ

ونیز از حضرت عبد البہا خطاب بہ بعضی کھسایان مصر است قولہ العزیز : « و اما ما سألت من الآیة الموجودة فی سفر دانیال طوبی لمن یری الف وثلاث مائة و خمسة و ثلثین ہذا انہ شمسیة لیست بقریة لان بذلک التاریخ ینقضی قرن من طلوع شمس تحقیقہ و تعالیم اللہ یتکلم فی الارض حقاً لیتکلم و تملأ الانوار مشارق الارض و تغار بہا یومئذ یفرح المؤمنون «

و قولہ العزیز : « بشارت نبوت اول دانیال حسابش از بدایت

بخت حضرت رسول است که تقریباً به حساب هجرت هزار و دویست
 و هشتاد و نود نبوت ثانی بحساب سنه هجری است یعنی از بدایت
 هجرت پس هزار و سیصد و سی و پنج هنوز نیامده است «

و از حضرت ولی امر الله در ابلاغیه است : « راجع به طول مدت
 تصنیفات حالیه سوال نموده بودید فرمودند بنویس میقات رفع
 تصنیفات و آزادی امر الله و استقلال شریعه الله مجبول و عیش
 عند الله ولی ثبات و استقامت یاران تاثیر عظیم و نفوذی شدید
 در وقایع حالیه و کیفیت ظهور و عود الله و اعلان شریعت سابقه دارد تغییر
 اوضاع حاضره در ایران ربطی بشارت کتاب دانیال و امام قرن
 اول بهستانی ندارد این بشارت راجع و مرتبط به نصرت امر الله و تمسک
 اصول شریعه الله در شرق و غرب عالم است مختصاً به اقلیمی نیستند و ندارد »

کتاب امر و خلق تبریق و ناید غیبی خاتمه پذیرفت

۱۳ سال صدم بهائی مطابق ۱۳۲۴ هجری شمسی و ۱۹۴۵ میلادی

در شهر مشهد خراسان

ایام یادگاری برای دیگران جانزده	صفحه ۲۰
روز جمعه	صفحه ۲۰
فصل دوم در عبادات	
حد بلوغ شرعی	صفحه ۲۱
تلاوت آیات و ساجدات	صفحه ۲۱
قد نستم من الارتفاع الی المنابر	صفحه ۲۴
اذکار در مشرق الاذکار	صفحه ۲۶
اذکار ایام طه	صفحه ۲۷
در اذکار قبله نیت	صفحه ۲۷
فرائض و نوافل	صفحه ۲۷
کلماتی در لفظ ادعیه و اذکار	صفحه ۲۸
نشر و تعریب و تصحیح ، نسخ آیات	صفحه ۲۸
اذکار عید رضوان	صفحه ۲۹
ذکر شب اول محرم	صفحه ۴۰

مناجات صوم در کسرت	صفحه ۴۴
مناجات صوم در صین افطار	صفحه ۴۶
ادویه و اوراد و حاجات	صفحه ۵۸
در طلب شفا	صفحه ۶۲
دعای صین نوم و صین دخول یا خروج از بیت یا از بلد	صفحه ۶۶
برای حفظ نفس و سرور	صفحه ۶۸
طلب فرزند	صفحه ۶۹
دعای سرمانده	صفحه ۶۹
ذکر در حق میت	صفحه ۷۰
ذکر در حق اهل قبور	صفحه ۷۲
صلوة آیات	صفحه ۷۳
صلوة مولود	صفحه ۷۳
صلوة حاجت	صفحه ۷۴
ذکر نود و پنج بار	صفحه ۷۹

آداب و احکام وضو برای نماز	صفر ۷۹
پهل وضو	صفر ۸۰
صلوة شبانه روزی - صلوة کبیر	صفر ۸۳
صلوة وسط	صفر ۸۸
صلوة صغیر	صفر ۸۹
صلوة مخصوصه وضو	صفر ۹۰
تمام صلوة	صفر ۹۲
احکام صلوة	صفر ۹۴
قبله	صفر ۹۶
در آفاق قطبیه	صفر ۹۸
نهی از نماز جماعت	صفر ۹۹
تثنیات تکلیف نماز	صفر ۹۹
سجود	صفر ۱۰۲
صلوة میت	صفر ۱۰۲

صیام و اخلاص	صفحه ۱۰۴
حج	صفحه ۱۰۹
لوح اعمال بیت مكرم شیراز	صفحه ۱۲۰
توضیح رابع بیت امده	صفحه ۱۳۴
بیتین و مقربای عرش	صفحه ۱۳۵
حضور در محضر صاحب امر	صفحه ۱۳۷
علت عدم اذن عموم	صفحه ۱۴۱
تباع مقصدت	صفحه ۱۴۱
زیارت روضه مبارک	صفحه ۱۴۳
در حق زیارت روضه مبارک و مقام اعلی	صفحه ۱۴۵
در حق زیارت منوچهرخان و آقا علی حیدر	
مشرق الأذکار	صفحه ۱۴۷

فصل سوم

در بیان محارم و نکاح و طلاق

محارم	صفحه ۱۵۴
دستور مجلس نکاح	صفحه ۱۵۷
تأکید در عمل با احکام و مراسم ازدواج بهائی	صفحه ۱۵۹
تأکید در ازدواج	صفحه ۱۶۰
دستور ازدواج با غیر بهائی	صفحه ۱۶۳
شرط بلوغ	صفحه ۱۶۴
شرط رضا و ایوان	صفحه ۱۶۷
مدت زود خویشبرداری و عدم فصل بین مقدم	صفحه ۱۶۹
وزفاف	
شود	صفحه ۱۷۲
منع تعدد زوجات	صفحه ۱۷۳
خادمه بکر	صفحه ۱۷۹
حرمت متعه	صفحه ۱۷۹
تاہل بعد از فوت زوج	صفحه ۱۸۱

صفر	۱۸۱	صفر
طلاق و ترتیب	۱۸۳	صفر
ناشره	۱۹۲	صفر
زوج و احوال مختلفه شوهر در سفر	۱۹۳	صفر
ترتیب بعد از موت زوج	۱۹۶	صفر
عده شوهر	۱۹۷	صفر
نهی از محمل	۱۹۷	صفر
فصل چهارم		
در احکام مرتبطه بموت حاوی دو اصل		
اصل اول در احکام موتی	۱۹۹	صفر
خاتم	۲۰۰	صفر
کفن	۲۰۰	صفر
خس	۲۰۰	صفر
عمل جنازه	۲۰۲	صفر

دفن	صفحه ۲۰۲
نقل جسد	صفحه ۲۰۴
برجگان دفن بر سوزاندن و دغمه	صفحه ۲۰۴
اصل دوم در امور مرتبطه با اموال و اشیاء میت	
وصیت نامه	صفحه ۲۰۵
رفع شبهه سفه	صفحه ۲۰۷
اختیار آتم موصی در اموالش	صفحه ۲۰۷
فروض مقدم بر تقسیم ترک	صفحه ۲۱۱
تقسیم ارث و سهام	صفحه ۲۱۲
خیر مؤمن ارث نمی برد	صفحه ۲۱۵
دار مسکونه ، اربسته مخصوصه	صفحه ۲۱۵
وراث صفار	صفحه ۲۲۱
فروع فرضیه ارث	صفحه ۲۲۱
فصل پنجم در حقوق ائمه	

صفحه ۲۲۶ حد نصاب و مقدار حقوق الله

صفحه ۲۲۹ فروع حقوق

صفحه ۲۳۴ حقوق راجع بحضرت دلی امر الله است

صفحه ۲۳۵ اقرباء منظر امر حق مالی بر مردم ندارند

فصل ششم در دیگر امور مالی

صفحه ۲۳۶ زکوة

صفحه ۲۳۹ برای تربیت و تعلیم

صفحه ۲۳۹ محل البرکة

صفحه ۲۴۰ شرکت خیریه

صفحه ۲۴۳ قمار

صفحه ۲۴۳ لانه

صفحه ۲۴۴ رفینه

صفحه ۲۴۴ نقطه

باب هفتم

صفحه ۲۴۸ درجده ای از موارد مصریح بفتح و تغیرات

نسبت باریان سابقه

باب هشتم

در اصول تشکیل این امر و جهان عادی سه فصل

فصل اول

در بیانات حضرت بهاء الله راجع بنظریه دیگر و راجع بر کرمطاع

بعد خود و اساس شور و بیت العدل و سلاطین

صفحه ۲۵۵ توحید حقیقی و خطا مراتب

صفحه ۲۵۶ مقصود از اظهار این امر

صفحه ۲۵۷ قبل از اكمال الفتنه فوری نمیشود و تاویل ندارد

صفحه ۲۶۰ مقام آثار

صفحه ۲۶۱ حضرت غصن عظیم عبدالبهاء مرکز بشاق

صفحه ۲۶۱ اساس مشورت

صفحه ۲۶۲ دستور بیت العدل و حضار آن

انصار بیت العدل	صفحو ۲۶۶
پہنگام تائیس بیت العدل	صفحو ۲۶۷
منایح مالی بیت العدل	صفحو ۲۶۸
وظائف بیت عدل : فصل اعتدالات محافظة بیانیان	صفحو ۲۶۹
اداره امور و ثواب و عقاب و تشریح	صفحو ۲۶۹
صلح عمومی و تقیید عساکر و نزع آلات حرب	صفحو ۲۷۰
وحدت دین و اتحاد بشر	صفحو ۲۷۴
وحدت لسان	صفحو ۲۷۷
دستور سلطنت	صفحو ۲۸۰
سلطان عادل	صفحو ۲۸۲
مقام روحانیت	صفحو ۲۸۴

فصل دوم

در بیانات حضرت عبدالبہار رابع بامور مذکورہ درگزین

بعد خود تشکیلات و وظائف مختلف روحانی و بیت العدل و نوایای متعده

مقام حضرت عبدالبهار	صفر ۲۸۶
سقوط فحسن اکبر	صفر ۲۹۰
ارکان ایمان بهائی	صفر ۲۹۱
بیت عدل و بیت العدل عظیم و مقام	صفر ۲۹۶
مقدس ولایت حضرت شوقی ربانی	
سه ابواب اختلاف	صفر ۳۰۷
بیات ایادی امرالله	صفر ۳۰۹
محفص روحانی	صفر ۳۰۹
وحدت و محبت عمومی بشر و آنگه دنیا یک کره	صفر ۳۲۱
تقییات و تعصبات و ستم و قتل و جدال	
مخالف فطرت الهی است	
صلح عمومی و محکمہ اکبری	صفر ۳۲۵

طریق اتحاد ادیان	صفحه ۳۲۱
یک نوع تربیت عمومی	صفحه ۳۲۱
طریق وحدت لسان	صفحه ۳۲۲
تساوی رجال و نساء	صفحه ۳۲۳
تشیلات آتیه آسیا	صفحه ۳۲۵
تجدیل اقتصاد	صفحه ۳۲۶

فصل سوم

در بیانات حضرت ولی امر الله راجع به نظم اداری این نام و جهان

نام و مقام	صفحه ۳۵۳
مراحل روحانی و دستوراتش	صفحه ۳۵۴
بیانات نظار	صفحه ۳۶۳
نسوان در محافل	صفحه ۳۶۳
حقوق تبارک در محافل روحانی و جامعه	صفحه ۳۶۴
توزیع کارهای محفل	صفحه ۳۶۶